

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنما به ما که هستی

آنگه بگو که هستی؟

(۶۱) نیت

به آن آشنا گفتم:

- گرچه شما خصوصیات و رفتارهای انسان های کاملاً غریزی را به طور جامع و مفصل تشریح کرده اید،

ولی تقریباً هیچ ویژگی مثبتی برایشان قائل نشده اید.

تنها جانبداری شما از ایشان این بود که توصیه کردید که هیچگاه نباید به آن ها ناسزایی گفته شود، چون

خودشان گناهی ندارند و صرفاً بیمار و گرفتار نوعی نادانی ناشی از یک جهان بینی نادرست اند.

فرمود:

- بله همین طور است.

افزودم:

- ضمناً شما قول دادید تا دربارهٔ شخصیت های کاملاً فطری و تفاوت آن ها با شخصیت های کاملاً غریزی، و نیز دربارهٔ جهان بینی نادرست غریزی ها و جهان بینی درست فطری ها، به طور مشروح، برایم سخن بگویید. به فرمودهٔ پیشوایانِ معصوم :

بزرگواران هرگاه وعده ای بدهند آن را اجرا می کنند.

آیا اکنون حاضرید به قولِ خود عمل کنید؟

سرش را به علامتِ موافقت تکان داد.

گفتم:

- پس ای بزرگوار! مُعْطَلِ چه هستید؟ اَلْوَعْدِ وفا!

فرمود:

- شاید بهتر باشد که در قالبِ جواب به سؤالاتِ شما، به وعده ام عمل کنم. پس لطفاً بپرسید تا پاسخ دهم.

گفتم:

- یک پرسش بسیار مهم ذهنم را درگیر خود کرده است:

آیا رفتار های شخصیت های کاملاً فطری، همواره و به کلی، با رفتار های شخصیت های کاملاً غریزی متفاوت اند؟

فرمود:

- جوابِ سؤالِ شما از یک نظر مثبت و از نظرِ دیگر منفی است.

افزود:

- گرچه، در خیلی موارد، تفاوت های بارزی بین رفتارها و کردارهای این دو گونه شخصیت مشاهده می شود، ولی، در بسیاری از مواردِ دیگر، به چشمِ ظاهر، رفتارها و کردارهای این دو نوع شخصیت، تا حدِ زیادی، مُشابه، و گاه، کاملاً یکسان به نظر می رسند.

البته این جا نیز، در پسِ این تشابه و همسانیِ ظاهری، تفاوت های عمیقی وجود دارد.

پرسیدم:

- رفتار ها و کردار های این دو نوع شخصیت، در این گونه مواردِ ظاهراً مشابه، از چه نظر متفاوت اند؟

پاسخ داد:

- از نظرِ نیتِ شان. از نظرِ نَفْسِ عملِ شان. از نظرِ قَصْدِ ناپیدا در وَرایِ عملِ شان.

پرسیدم:

- مگر عمل دارای نَفْس است؟

فرمود:

- در هر کار، خودِ آن عمل به مثابه یک پیکر (تن یا جسم) است و نیت، به تعبیری، همچون جان (نَفْسِ)

آن عمل است.

گفتم:

- این تمثیل زیبایی شما بیشتر شبیه به نوعی بازی با کلمات است.

با لبخند فرمود:

- اتفاقاً خود کلمات هم از تن و جان تشکیل شده اند.

پیکر یک کلمه همان صورت ظاهری آن در گویش و نگارش است، و جان آن همان معنا و مفهوم نهفته در بطن آن است.

این خود مبحث مهمی در گفتگوهای آتی ما درباره پدیده زبان خواهد بود.

کمی صبر داشته باشید. اگر "او" بخواهد، به موقع آن را نیز بررسی خواهیم کرد.

شکیبایی نه تنها چیز بدی نیست، بلکه، در بسیاری موارد، ضرورت تام دارد.

گفتم:

- پس اکنون لااقل در مورد تن و جان یک عمل کمی بیشتر توضیح بدهید.

فرمود:

- همان طور که گفتم، شکل ظاهری یک عمل پیکر آن است و نیت نهفته در پس انجام آن عمل، همان جان

آن است.

پرسیدم:

- نهفته؟! یعنی حتی با ژرف نگری در ظاهر یک عمل هم نمی توان به نیت عامل آن پی بُرد؟

به جای پاسخ دادن، از من پرسید:

- آیا شما صرفاً با خیره شدن به **چهره** یک شخص می توانید به **نیات** او پی ببرید؟

گفتم:

- خیلی به **ندرت**، آن هم در **شرایطی خاص**، و به شرط داشتن **آگاهی** های دقیق درباره شخصیت او و رفتارهای گذشته اش.

با کمی مکث پرسید:

- اگر دو نفر که از نظر **قیافه** و ویژگی های **بدنی کاملاً** شبیه یکدیگرند، دست به انجام کار ظاهراً مشابهی

بزنند، آیا می توانیم بگوییم که در انجام آن عمل حتماً **نیات** یکسانی در ذهن داشته اند؟

گفتم:

- خیر. این چه سؤالی است که می پرسید. بدیهی است که ممکن است **عمل** ی یکسان از دو شخص ظاهراً

شبیه به یکدیگر سر بزنند ولی آن دو، اهداف و نیات متفاوتی از انجام آن کار داشته باشند.

فرمود:

- از گفته های شما نتیجه می گیریم که

اولاً

انجام **اعمال مشابه** توسط دو یا چند کس، لزوماً به معنای آن نیست که ایشان در انجام آن اعمال **نیات**

یکسان داشته اند،

و ثانیاً

تنها با نگرستن به ظاهر **یک عمل**، نمی توان به نیت پنهان در ذهن عامل آن پی بُرد.

افزود:

- پس اگر کسی را ببینیم که سنگی را از میان جاده ای بر می دارد، نمی توانیم بی درنگ دریابیم که آن را برمی دارد تا بر سر دیگران بکوبد و یا این که با این کار می خواهد رفت و آمدِ رهگذران را تسهیل کند.

پرسید:

- اگر روزی مطلع شوید که یک قاضی برای دو نفر که جداگانه مرتکب یک عمل مجرمانه ظاهراً مشابه شده اند دو حکم مختلف صادر کرده است در مورد آن قاضی چه خواهید گفت؟

پاسخ دادم:

- می گویم که این کار او نمایانگر نهایت بی انصافی است، او صلاحیت قضاوت ندارد و باید، هر چه زودتر، یا خودش از این سمت کناره گیری کند و یا کنار گذاشته شود.

فرمود:

- درباره او چه زود داوری کردید!

فکر می کنم این شما هستید که نمی توانید قاضی خوبی باشید،

چون

یک قاضی خوب در قضاوت عجله نمی کند.

و ضمناً، در بسیاری موارد، صدور این گونه احکام متفاوت، نمایانگر نهایت انصاف است.

ناباورانه به آن آشنا نگاه کردم.

افزود:

- برای آن که شخصی مُجرِم شناخته شود، صرفِ انجامِ عملِ مجرمانه کافی نیست، او باید نیتِ مجرمانه نیز داشته باشد. یعنی او باید اولاً بداند که قانون آن کار را جُرم شناخته است و ثانیاً آن عمل را آگاهانه انجام دهد. گفتیم:

- به این ترتیب، هر شخصِ مُجرِم ممکن است ادعا کند که از قانون اطلاعی نداشته است. آیا قاضی، صرفاً به خاطر این ادعا، او را تبرئه خواهد کرد؟

فرمود:

- خیر. چون

جهل به قانون رافعِ مسئولیت نیست

و

هر شخص قانوناً مَوْظَف است، در حدِ ضرورت، از قوانین آگاه باشد.

پرسیدم:

- پس از چه نظر قاضی برای آن دو نفر احکام مختلف صادر می کند؟

پاسخ داد:

- از نظر نیت شان.

اگر قاضی مطمئن شود که یکی از آن ها نیتِ مجرمانه نداشته است برای او، نسبت به آن دیگری، حکمِ سَبک تری صادر خواهد کرد.

افزود:

- اگر روزی شما خود بر مَسْنَدِ قضاوت بنشینید، آیا برای قتلِ عَمْد و قتلِ غَیرِ عَمْد مُجازاتِ یکسان در نظر

می گیرید؟

گفتم:

- خیر. این دیگر قطعاً نهایتِ بی انصافی است.

پرسیدم:

- تفاوت در نیتِ انسان ها از چه چیز ناشی می شود؟

فرمود:

- از جهان بینی شان.

نیات و نیز تصمیمات و اعمالِ هر فرد از جهان بینی او سرچشمه می گیرند؛

جهان بینی یک فرد یعنی این که او شرایطِ محیطِ پیرامونِ خود را چگونه می بیند و جهت گیریِ عواملِ

موجود در آن محیط را، نسبت به خود، چگونه ارزیابی می کند، و از همه مهم تر این که، در مجموعه هستی،

برای خودش چه جایگاهی قائل است.

گفتم:

- لطفاً بیشتر توضیح بدهید.

فرمود:

- بیاوید به تمثیل آن شخص و آن سنگِ وسطِ جاده بر گردیم.

این که آن فرد، شرایطِ حاکم بر آن جاده را چگونه می بیند و یا نسبت به دیگر رهگذران و یا ساکنان کنارِ آن راه چه نظری دارد، نیت او را در برداشتنِ آن سنگ تعیین می کند:

اگر جاده را ناامن و دیگر رهگذران و یا ساکنانِ کنارِ آن را دشمنِ پندارد، سنگ را به این نیت بر می دارد که، در صورت لزوم، با آن از خود دفاع کند.

ولی اگر جاده را امن و دیگر رهگذران و یا ساکنانِ کنارِ آن را دوست بداند، آنگاه سنگ را به این نیت بر می دارد که مبادا پای ایشان و یا چرخِ گاری شان به آن اصابت کند و صدمه ای ببینند و یا حادثه ای برایشان روی دهد.

افزود:

- به همین نحو، جهان بینیِ هر شخص - یعنی پنداشتِ های او نسبت به هستی و دیگران و ارزیابیِ جهت گیریِ این دو نسبت به خودش، و نیز تصویری که از جایگاهِ خود در هستی دارد - نیت او را شکل می بخشد؛ و آنگاه،

این نیت، خود مبنایِ هدف گذاری ها، تصمیمات و، در نهایت، اعمالِ او قرار می گیرند.

ادامه داد:

- تفاوت های موجود بینِ نیتِ افرادِ کاملاً فطری و نیتِ اشخاصِ کاملاً غریزی نیز ناشی از ناهمسانی در

جهان بینی شان است.

و از آن جا که

جهان بینی افرادِ کاملاً فطری و کاملاً غریزی، از اساس، مُغایرِ یکدیگر اند،

حتی اگر، در برخی موارد، این دو نوع شخص، اَعمالی به ظاهر کاملاً مشابهِ هم انجام دَهند، نِیات شان، یعنی

جانِ اَعمالِ شان، با هم تفاوتِ بنیادی خواهد داشت.

ادامه دارد